

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض شد که این بحث‌های فهرستی راجع به اصل کتاب و نسخه‌های کتاب و مقابله‌ی نسخه‌ی آخر جمله‌ای از فوائد این نسخه‌شناسی الان هم خوب خود شما اهل این معنا هستید الان هم متعارف است نسخه‌شناسی یک کار جدیدی نیست لکن نسخه‌شناسی که الان شما دارد غالباً نسخه‌های موجود را با هم مقابله می‌کنید این نسخه، این نسخه‌شناسی که ما می‌گوییم نسخی است که با اجازات و اسانید به ما رسیده مشکل کار این است یعنی اگر آن کتاب حسین بن سعید مقابل ما بود خیلی راحت تر بود با اجازات و اسانید این کتاب به ما رسیده است این نسخ با اجازات و اسانید به ما رسیده این را داریم مقابله می‌کنیم این کار را مشکل می‌کند مشکل کار این است نه اینکه یک نسخه‌ای در خارج باشد.

به هر حال اجمالا تا اینجا من فکر می‌کنم یک فوارقی ما بین یعنی یک دفعه ما فقط سند را نگاه می‌کنیم که عرض کردیم الان متعارف است مخصوصاً حوزه‌های ما بعد از علامه این شده سند را نگاه می‌کنیم یک دفعه نه غیر از سند نکات دیگری هم هست خود وضع کتاب تاریخ کتاب بعد این از کجا آورده خود ایشان چه کاره است بعد این نسخه چطوری است نسخ دیگری دارد ندارد اینها را هم یکی یکی بررسی می‌کنیم.

مثلاً راجع به کتاب علاء که همین اخیراً صحبت کردیم چون نمی‌خواستیم دوباره وارد بشویم ولی یک اشاره‌ای بکنم مثلاً مرحوم نجاشی را بیاورید عبارت نجاشی را بیاورید، عبارت نجاشی در مورد علاء بن رزین بگوید کتابش را که من بگویم مطلب چیست. کتاب علاء بن رزین از فهرست نجاشی.

یکی از حضار: علاء بن رزین شماره‌ی ۸۱۱ صفحه‌ی ۲۹۸ چاپ جامعه مدرسین عن علاء بن رزین القلاء ثقفی مولی قال ابن الفضال

آیت الله مددی: القلاء است، قلاس خواندید؟

یکی از حضار: قلاء ثقفی

آیت الله مددی: قلاء قلاء

یکی از حضار: ثقفی

آیت الله مددی: قلی یعنی سرخ کردن کباب سرخ بکند یقلی السویق سویق عبارت از همین یک حلوایی است که عراقی ها خانم های عراقی درست می کنند یک کمی سیاه رنگ است حلوای ایرانی ها یک کمی روشن تر است سویق این است حلوایی است که غذایی است که از به اصطلاح شکر و آرد و روغن گرفته می شود این را اصطلاح سویق می گویند و این سویق خیلی در روایات تاکید رویش شده یشد الظهر و چنین و چنان و خیلی به قول شوخی یکی ازرقا گفت در طب قدیم خیلی روی جهت مبهی و مدر بحث می کنند زیاد روی مبهی و مدر، مدر زیاد است یکی ادرا یکی آن یکی حالا غرض اینکه این سویق از این جهات دارای امتیاز است کان یقلی السویق یعنی حلوا ساز بود خود این علاء بن رزین .

یکی از حضار: در کتاب طبی هم دارد رجوع الشیخین الی الصباح

آیت الله مددی: الی الصباح، بله

آن آقای بجنوردی می فرمودند من نشنیدم می فرمودند وقتی که چاپ شد چون برای یکی از مشایخ ازهر است اصلا پیرمردی بود برای ازهر برداشته نوشته و ایشان لندن ممنوعش کردند به عنوان کتاب فساد ضلال اجازه ی نشر در لندن ندادند نمی دانم حالا من نقل از آقای بجنوردی می کنم که این کتاب به اصطلاح حالا من دیدم کتاب را اما ایشان اینطور نقل می کرد .

به هر حال بله آقا ؟

یکی از حضار: له کتب یرویهها ترجمه اش را نخواندم وله کتب یرویهها جماعة

آیت الله مددی: دیدید این مطلبش چقدر دقیق است خوب الان خود ما یک روایتش را چند راه برایش پیدا کردیم در یک روایت واحده اش راه های متعدد بله

یکی از حضار: اخبرنا جماعة

آیت الله مددی: عرض کردم جماعة ابن عبدون و مفید و مرحوم ابن غضائری و اینها

یکی از حضار: عن الحسن بن حمزة

آیت الله مددی: حسن بن حمزه عرض کردم نجاشی که بغدادی است این مشایخ هم برای بغداد هستند این سیر تاریخی اجازات را هم ما از این جهت خیلی لطیف نوشتیم حسن بن حمزه برای ایران است طبری است بغداد آمده مشایخ بغداد از او اجازه گرفتند رابط بین بغداد و ایران است و قم یعنی میراث هایی که در قم بوده توسط حسن بن حمزه یک مقدارش رسیده به بغداد یکی هم فهرست ابن بطه که نجاشی از او نقل می کند بفرماید . رفت از اینجا به قم .

یکی از حضار: حدثنا محمد بن جعفر

آیت الله مددی: محمد بن جعفر؟ ها این ابن بطه باید باشد بفرمایید.

یکی از حضار: عن الصفار عن احمد بن محمد بن عیسی

آیت الله مددی: اما محمد بن جعفر نباید باشد، آن نباید از صفار این محمد بن ابی عبدالله مگر ابن بطه باشد. از احمد بن محمد بن

عیسی شاید عبدالله بن جعفر باشد که همان حمیری معروف باشد باز آن هم از صفار نمی شود بفرمایید به هر حال

یکی از حضار: جسارتا چک کنم شاید این اشتباه باشد. انگار محمد بن جعفر عن الصفار عن احمد بن محمد بن عیسی قال حدثنا

الحسن عن العلاء بكتابه آنجا داشت کتب اینجا دارد کتبه.

آیت الله مددی: خوب معلوم شد مراد حسن بن محبوب است که یکی از آن نسخی که بود حسن بن محبوب بود که خواندیم آنجا ایشان

نسخه‌ی حسن بن محبوب را نقل می کند ببینید چقدر قم تاثیر گذار بوده در تنقیح حدیث که این سند را مرحوم نجاشی به جای اینکه برود

به کوفه چون ایشان اهل کوفه است دیگر صاف برود به کوفه دیگر از بغداد به کوفه نزدیک تر است دور زده آمده به قم از قم رفته به کوفه یعنی

توسط احمد اشعری رفته به حسن بن محبوب دقت می کنید؟

اینها همان نکته‌ای است که منشاء شد ما کلمه‌ی فهرست را به کار ببریم یعنی معلوم می شود که قمی های این مقدار در تنقیح و تصحیح

کتب تاثیر گذار بودند به حیثی که می توانستند صاف برود به کوفه دیگر مشکل نداشت دیگر از همان بغداد برود به کوفه می بینیم دور می زند

می آید به احمد اشعری از حسن بن محبوب که در کوفه است از علاء که در کوفه است محمد بن مسلم هم که کوفی است بفرمایید.

یکی از حضار: روایات الان نگاه می کنم تک و توکی هست که ابن بطه از صفار نقل کرده است،

آیت الله مددی: پس همان است ابن بطه، محمد بن جعفر ابن بطه است در اینجا خود حسن بن حمزه هم از او نقل می کرد ابن بطه که

ابن بطه است دیگر

یکی از حضار: در توحید صدوق محمد بن جعفر بن بطه قال حدثنا محمد بن حسن الصفار

آیت الله مددی: باید همان باشد قاعدتا باید همان باشد عادتاً اوست دیگر چون حسن بن حمزه هم از او نقل می کند.

یکی از حضار: در خصال هم این سند این است که ابن بطه

آیت الله مددی: اما عجیب است خیلی عجیب است مرحوم نجاشی با وجود امکان ذهاب الی کوفه از این سندی که به قول خودش وفی

فهرست ما رواه غلط کثیر احتمالاً فهرست ابن بطه نقل می کند ایشان احتمالاً ایشان از فهرست ابن بطه نقل می کند اما نقلش درست است

چون ما الان نقل احمد اشعری از حسن بن محبوب زیاد داریم حسن محبوب هم از علاء داریم نقل درست است حالا فرض کنید جناب

ابن بطه محل اشکال است اما نقل درست است حالا بفرمایید بقیه اش را شیخ، دیگر ندارد مرحوم نجاشی؟

یکی از حضار: خیر، خدمتتان عرض کنم در خصال سه تا در عیون هم دو تا

آیت الله مددی: نه واضح است مطلب واضح است اما بله هست اما به هر حال انصاف قصه خیلی عجیب است یک کتابی به این مشهوری

ورواه جماعة ایشان یک طریقی را ذکر کند که درش ابن بطه است که الان آقایان می گویند ضعیف است بنا بر مشهور خود نجاشی او را

تضعیف کرده ابن الولید هم گفته ضعیف خیلی عجیب است از مرحوم، با اینکه این کتاب این همه نسخ داشته به قول خودش رواه جماعة

باز طریقی را که آورده خیلی صاف نیست.

یکی از حضار: احتمال دارد اشتباه باشد کتاب باشد چون می گوید آخرش می گوید بکتابه نه بکته.

آیت الله مددی: نه کتاب واحدی است بعید است کتب.

یکی از حضار: در فهرست هم این است العلاء بن رزین الغلاء جلیل القدر ثقة له کتاب.

آیت الله مددی: بله همین است، باید همین باشد، آن کتب چون در خط کوفی قدیم کتب می نوشتند کتاب می خواندند.

یکی از حضار: ببخشید نه خیلی معذرت می خواهم این نمی تواند باشد به خاطر اینکه دارد له کتب یرویهها جماعة.

آیت الله مددی: اگر یرویهها دارد بله نمی شود.

یکی از حضار: خلاصه علامه چون عین نجاشی نقل می کنند.

آیت الله مددی: نه دیگر حالا این یکی اش را برای بحث های فهرستی اش را عاداتا نقل نمی کنند، توصیفات رجالی اش را نقل می کنند.

خوب حالا ببینید اینجا با اینکه شیخ ادق نیست از نجاشی، حالا می خواهیم نکته ی دیگری بگویم شیخ در اینجا طرقتش را نوشته له کتاب

یکی از حضار: اربع نسخ.

آیت الله مددی: اربع نسخ، یعنی شیخ خیلی عجیب است عاداتا نجاشی باید این کار را می کرد.

یکی از حضار: وهو اربع نسخ.

آیت الله مددی: وهو اربع نسخ، الاولى

یکی از حضار: منها رواية حسن بن محبوب.

آیت الله مددی: این همانی است که نجاشی آورده حالا بخوانید.

یکی از حضار: اخبرنا ابو عبدالله عن محمد بن

آیت الله مددی: شیخ المفید ابو عبدالله شیخ است، این بغدادی بعد بغدادی.

یکی از حضار: عن محمد بن علی بن الحسین.

آیت الله مددی: این محمد بن علی بن الحسین صدوق پسر، صدوق معروف.

یکی از حضار: عن ابيه

آیت الله مددی: صدوق پدر.

یکی از حضار: و محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله.

آیت الله مددی: محمد بن الحسن عن سعد عن ابيه یعنی مرحوم صدوق از پدرش و از ابن الولید و از سعد نقل می کند از هر سه نقل می کند نه از سعد مستقیم نقل نمی کند.

یکی از حضار: عن سعد بن عبدالله.

آیت الله مددی: عن سعد بن عبدالله خیلی خوب خیال کردم و او خواندی گفتم و او نقل نمی کند بله چون هم پدرش هم مرحوم ابن الولید از سعد نقل می کنند نه اینکه صدوق از سعد نقل بکند من و او شنیدم خیال کردم درست است.

یکی از حضار: عن احمد و عبدالله ابني محمد بن

آیت الله مددی: عن احمد اشعری که معروف است عبدالله هم بنان همین تازگی هم اسمش را آوردیم بنان. برادری دارد به نام بنان توثیق آن طور بزرگ و صریحی ندارد ایشان جزو کسانی است که رفته به کوفه میراث های کوفه را آورده به طرف قم اینها هر دو برادر رفتند هم احمد هم عبدالله رفتند میراث ها را، ببینید تا اینجا قمی است یعنی از صدوق مرحوم شیخ از مفید بغدادی از صدوق قمی پدرش و اینها قمی از احمد و عبدالله قمی بعد عن ابن محبوب.

یکی از حضار: نه یک واسطه، این و احمد بن ابی عبدالله البرقی

آیت الله مددی: سه تا شدند.

یکی از حضار: و یعقوب بن یزید

آیت الله مددی: چهار تا

یکی از حضار: و محمد بن الحسین ابن ابی الخطاب.

آیت الله مددی: این کوفی است این یکی کوفی است

یکی از حضار: و الهیثم ابن ابی المسروق

آیت الله مددی: این هم کوفی است.

یکی از حضار: عن الحسن بن محبوب عن العلاء

آیت الله مددی: این، خیلی عجیب است شیخ اینجا این قدر طریق به کتاب نسخه‌ی حسن بن محبوب خیلی عجیب است انصافا یعنی عادتاً باید نجاشی این کار را می‌کرد علی خلاف القاعده مخصوصاً که شیخشان هم یکی است مفید است یعنی اجازه را شیخ مفید به نجاشی هم داده فرق نمی‌کند بفرمایید. خیلی طریق خوبی است هیچ مشکلی ندارد.

یکی از حضار: ومنها رواية محمد بن خالد الطيالسی اخبرنا ابن ابی جید اینجا نسخه‌ی بدل در هامش نسخه اضافه شده عن محمد بن الحسن بن الولید عن

آیت الله مددی: ابن ابی جید از ابن ولید نقل می‌کند این هم از مشایخ نجاشی است، نجاشی از این راه هم می‌توانست نقل بکند نقل نکرده است بفرمایید.

یکی از حضار: عن محمد بن الحسن الصفار قرب اسناد داشت دیگر یا کمتر است عن محمد بن خالد الطيالسی

آیت الله مددی: عن محمد بن خالد الطيالسی عن؟

یکی از حضار: عن ندارد دیگر قاعدتاً عنه باید باشد می‌گوید منها رواية محمد بن خالد

آیت الله مددی: بله عن آن محمد بن خالد الطيالسی از آن مشایخ عراق به نظرم کوفی باشد آن هم بد نیست حالا محل کلام است اما به هر حال انصافاً به نظر ما جزو مشایخ است قابل اعتماد است محمد بن خالد الطيالسی بفرمایید.

یکی از حضار: تمهید بوده بله تمهید بوده قاعدتاً می‌شود کوفی باشد. بله ببخشید چون فقط کان یسکن فی الکوفة

آیت الله مددی: نه می‌گویم کوفی است بله کوفی است ایشان. عجیب است می‌آید تمام این طرق می‌آید به قم می‌آید به کوفه خیلی عجیب است این عظمت قم را نشان می‌دهد، دقت می‌کنید؟ واقعا خیلی ما به اسم این عظمت اسمش را گذاشتیم فهرستی سر کلمه‌ی فهرستی ما برای این نقش بزرگی است که، خوب این کاملاً واضح است کتاب برای کوفه است علاء کوفی است حسن بن محبوب کوفی است محمد بن خالد طيالسی کوفی است اینها می‌آیند از قم این مثل همین کاری است که زمان ما شده مثل اینکه مستمسک را نجف تحقیق کردند و چاپ اما یک تحقیق خیلی خوب قم بکنند همه ارجاع بدهند به تحقیق قم به خود تحقیق نجف ارجاع ندهند مثل کتاب

آقای خوئی را الان غالباً به تحقیق قم ارجاع می دهند به تحقیق ایران ارجاع می دهند انصافاً اینها نشان می دهد که چقدر قم در این جهت موثر بوده اسم این را ما گذاشتیم فهرست این رجال نبوده این اسمش فهرست است این کلمه ی فهرست همین که من عرض می کنم منشاء اختیار این کلمه این است یعنی واقعا آقایان قمی ها در تنقیح کتب .

آن وقت اینجا یک نکته ای دارد دیگر حالا شرحش خودتان نگاه کنید اینجا ایشان دارد عن محمد بن خالد الطیالسی در کتاب صدوق اگر یادتان باشد وقتی خواندیم ایشان چهار طریق به کتاب علاء داشت عن محمد بن خالد عن العلاء آنجا اینطور داشت .

یکی از حضار : محمد بن خالد دو تا دارد .

آیت الله مددی : بخوان .

یکی از حضار : خود محمد بن خالد باز هم دارد .

آیت الله مددی : آنجا هم دو تا دارد .

یکی از حضار : همین را می خواهم عرض کنم دومی اش ماند و خبرنا عن حسین بن عبید الله

آیت الله مددی : ابن غضائری پدر .

یکی از حضار : نسخه بدل دارد عن حسن بن عبید

آیت الله مددی : اشتباه است بله .

یکی از حضار : عن محمد بن علی بن الحسین

آیت الله مددی : ببینید شد صدوق با مفید این دو تا با مفید چون ابن غضائری ۴۱۱ وفاتش است مفید ۴۱۳ در یک زمانند مشایخ معروف

و لذا گاهی شیخ از هر دو تعبیر می کند جماعة ، جماعة این دو نفر هم هستند بفرمایید .

یکی از حضار : عن ابیه عن علی بن سلیمان رازی کوفی

آیت الله مددی : این زراری باید باشد .

یکی از حضار : زراری نسخه ی بدل زراری هم دارد .

آیت الله مددی : اشتباه است .

یکی از حضار : عن محمد بن خالد عن العلاء بن رزین

آیت الله مددی: آن وقت از یک طرف دیگر مرحوم صدوق در صدوق هم همین طور آمده یعنی همین اسم ها آمده یعنی اینکه مرحوم شیخ دارد از صدوق نقل می کند در خود فقیه هم آمده محمد بن خالد عن علاء لکن وقتی طریق صدوق را به چیز نگاه می کنیم به ، این دیگر درش طیالسی ندارد فقط محمد بن

یکی از حضار: محمد بن خالد دارد

آیت الله مددی: ها محمد بن خالد دارد طریق صدوق را به محمد بن مسلم نه به علاء با اینکه شاگرد است همین طریق است لکن محمد بن خالد برقی است

یکی از حضار: عن ایبه محمد بن خالد عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم و ما کان فیه

آیت الله مددی: شاید بعضی ها آمدند خیال کردند این محمد بن خالد هم که اینجاست این برقی است این خلاف ظاهر است این جزو نکات فنی کار است .

یکی از حضار: آنجا طیالسی ندارد .

آیت الله مددی: طیالسی ندارد اما باید تکلیفش ، با قرینه ی عبارت شیخ در فهرست باید مراد طیالسی باشد چرا چون مرحوم شیخ اولاً مرحوم شیخ صدوق از طریق برقی که نقل می کند منفرد است کسی دیگر از آن راه نقل نکرده است از محمد بن خالد برقی کسی دیگری نقل نکرده است ، آن نقلی هم که از محمد بن خالد برقی کرده همه نوه های برقی هستند ، اینجا نوه های محمد بن خالد نیست لذا خوب دقت کنید در این سند محمد بن خالد مراد طیالسی است علی خلاف القاعدة اگر این نکته نبود می گفتیم محمد بن خالد البرقی حالا می خواهید آن سند را بیاورید سند برای

یکی از حضار: در صدوق سند سوم صدوق است چون صدوق دو بار از محمد بن خالد نقل می کند یک بار به واسطه ی رویت عن ابی و محمد بن الحسن رضی الله عنهما عن سعد بن عبدالله و الحمیری جمیعاً عن احمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن خالد این ممکن است برقی باشد .

آیت الله مددی: نه خیر نه طیالسی است .

یکی از حضار: آخر بعدی اش این است و رویت عن ابی رضی الله عنه سومی عن علی بن سلیمان زراری

آیت الله مددی: عین همین است ، بله آن هم محمد بن خالد طیالسی است ،

یکی از حضار: اما آن اولی نبود .

آیت الله مددی: چرا چون مرحوم صدوق وقتی از محمد بن خالد برقی نقل می کند منفرد است کسی دیگری نداریم که نسخه ی علاء را از محمد بن خالد برقی نقل کند جز صدوق. آن نسخه هم که ایشان نقل می کند از خاندان ایشان است بیاورید و ما کان فیه عن محمد بن مسلم از محمد بن مسلم نه علاء

یکی از حضار: بله وقد رویت عن علی بن احمد

آیت الله مددی: این ببینید علی بن احمد بن عبدالله بن ، این نوه ی برقی است

یکی از حضار: عن ایبه عن جده .

آیت الله مددی: عن ایبه عن جده

یکی از حضار: باز دارد عن ایبه محمد بن خالد

آیت الله مددی: عن ایبه این ایبه عن جده احمد برقی پسر ، احمد برقی این فقط نزد صدوق است قمی ها هیچ کس این نسخه را نقل نکرده است هیچ جای دیگر هم غیر از صدوق نیامده است .

یکی از حضار: طریق اول علاء چرا نمی تواند محمد بن خالد برقی باشد این که احمد بن محمد بن عیسی است .

آیت الله مددی: باشد نه واضح است که مراد همان طایلسی است . ایشان چون محمد بن خالد اصلا احمد آن نسخه را نقل نکرده احمد همین نسخه ای است که محمد بن خالد طایلسی است . حالا چهارمی را هم بخوانید دیگر من نمی خواستم امشب معطل این بشویم .

یکی از حضار: سومی مانده

آیت الله مددی: بفرمایید ، گفت این چراغ روشن بود این بچه به دنیا می آمد گفت خاموش کنید شاید نیاید دیگر حالا ما می گوئیم چراغ روشن است همین طور دارد طریق می آید .

یکی از حضار: محمد بن ابی الصهبان اخبرنا ابن ابی جید عن ابن الولید عن سعد بن عبدالله والحمیری عن محمد بن ابوالصهبان عن

صفوان عن العلاء

آیت الله مددی: ببینید محمد بن ابو الصهبان قمی است تا این سند یعنی اولش ، اولش ابن ای جید بود ، اولش ابن ابی جید بود دیگر نه؟

یکی از حضار: بله .

آیت الله مددی: ابن ابی جید قمی است لکن بغداد آمده شیخ طوسی بغدادی است در بغداد از این قمی شنیده ، قمی می برد به قم تا

محمد بن عبد الجبار ایشان هم قمی است خود محمد بن عبد الجبار هم قمی است بعد ایشان از صفوان که از عراق است حالا یا بغداد یا

کوفه حالا بالاخره از بغداد و کوفه می برد به عراق و این بسیار مرد بزرگواری است محمد بن عبد الجبار این نسخه هم نسخه ی صحیحی

است جای بحث ندارد عن العلاء و منها

یکی از حضار: خدمت شما عرض کنم که نقل های محمد بن خالد برقی خیلی زیاد است از محمد بن احمد بن عیسی

آیت الله مددی: زیاد دارد نه یکی

یکی از حضار: نسبت به این طیالسی .

آیت الله مددی: بله بیشتر دارد بله اما نمی خورد به برقی نمی خورد بفرماید .

یکی از حضار: عرض شود که عن الصفوان عن العلاء و آخرش هم و منها رواية الحسن بن علی بن الفضال خبرنا ابن ابی جید عن ابن

الولید عن سعد والحمیری عن احمد بن محمد عن الحسن بن فضال نسخه بدل عن الحسن بن علی بن الفضال

آیت الله مددی: یکی است .

یکی از حضار: بله عن العلاء بن رزین .

آیت الله مددی: این نسخه ی فطحیه است در نسخی که ما الان در این قصه نگاه کردیم نسخه ی طیالسی نبود نسخه ی صفوان بود آن نسخ

دیگر غالبا بودند نسخه ی این یکی هم حسن بن علی بن فضال هم نبود در این روایت واحده ای که ما الان از علاء خواندیم مقابله ی نسخ

کردیم حالا ببینید کار شیخ چهار تا نسخه نوشته اما چه کار نکته ی فنی را دقت کنید اما نوشته که آیا این چهار تا نسخه با هم اختلاف دارند

یا ندارند ، ما عرض کردیم کار فهرستی ما هم یک نکته اش این است اصلا ، اختلاف این نسخ با همدیگر حالا نجاشی که خیلی اوضاع را

خراب کرده رفته از راه ابن بطه اما مرحوم شیخ که چهار طریق نوشته و بعضش هم زیادند هیچ مقایسه نکرده است این به ذهن ما ایشان

ذهنیت فهرستی اش را کنار زده فقط ذهنیت رجالی نگاه کرده است و اجازه ، اجازه را نگاه کرده است .

یکی از حضار: مگر اینکه در تهذیب آورده باشد .

آیت الله مددی: تهذیب ممکن است آورده باشد نه در همین حدیثی که آورد در تهذیب اختلاف داشتند نسخه ی صفوان غیر از نسخه ی

آن یکی دیگر بود اختلاف داشتند اما نه اینکه مقارنه ی نسخ را با هم کرده باشد یکی را یک جا آورده دیگری را یک جا آورده است این کار

یک کار چیز است حالا ببینید شما کتاب حسن بن سعید را بیاورید ترجمه ی حسن بن سعید .

یکی از حضار: تعجب این است که ایشان چرا در تهذیب شروع به علاء نکرده است .

آیت الله مددی: بله کتاب علاء نزدش نبوده عرض کردم شواهد آقای سیستانی هم می گفت به نظر ما شیخ طوسی یک کتابخانه ی کوچکی داشته شواهد همینطور است .

ایشان در کتابخانه ی کوچکی در اختیارش بوده اما متحیریم ایشان چرا از کتابخانه ی سید مرتضی که حدود هشتاد هزار جلد داشته در آن زمان از او استفاده نکرده این خیلی برای ما تعجب آور است با اینکه می گویند تا آخر عمر نزد سید مرتضی می رفته تا آخر با مرحوم سید مرتضی درس ایشان می رفته با تمام این احوال چطور شده از کتابخانه ی ایشان استفاده نکرده است اگر شیخ طوسی مستقیم از این مصادر، مثلاً کتاب سکونی مستقیم، کتاب حلبی مستقیم، کتاب علاء مستقیم خیلی امور ما الان فرق می کرد، متأسفانه .

چرا چون آن بیشتر روی جنبه های به حساب کتاب شناسی بود و فهرستی بود ایشان بیشتر روی جنبه های رجالی سند درست است اجازه هست کافی است این خیلی مشکل است حالا شما حسن بن سعید را بخوانید .

یکی از حضار: حالا تا چراغ روشن است آخر روایت هم بخوانیم دیگر و قال ابن بطه عن علاء بن رزین اکثر روایة من صفوان ربطی به قبلش ندارد .

آیت الله مددی: اما ظاهراً کتاب صفوان بزرگ تر و بیشتر از کتاب است اولاً صفوان یکی ندارد بیشتر از علاء بن رزین است اشتباه است یا العلاء بن رزین اکثر روایت من صفوان، صفوان از ایشان نقل کرده است مگر این باشد .

یکی از حضار: فکر کنم چاپ آقا عزیز هم دوباره همین باشد .

آیت الله مددی: و الا روایت، اکثر روایت من صفوان، اکثر من مثلاً روی عنه صفوان این طوری باید باشد .

یکی از حضار: اکثر روایة عنه مثلاً

آیت الله مددی: اها اکثر

یکی از حضار: شاید همین است یعنی در نسبت

آیت الله مددی: صفوان زیاد است درست است .

یکی از حضار: بیشترین نص

آیت الله مددی: این درست است این مطلب درست است این درست است این مطلب خوب حالا حسن بن سعید را بیاورید .

یکی از حضار: فقط یک سوال، آن جلسه برای اینکه ضبط بشود بالاخره در فقیه که چهارتا طریق گفته الان کدامش روایت براساس کدام است چون این چهار تا نسخه ها با هم متفاوت است .

آیت الله مددی: بله این هم یک مشکلی است.

این را من در ضمن یک اشاره‌ای یک شب کردم اصلاً یک نسخه‌اش برای صفوان است یعنی صفوان عن العلاء آن نسخه‌ی حسین بن سعید که در نوادر آمده بود صفوان بود آن وقت در نسخه‌ی شیخ صدوق هی علیه حرام تا اینجا بود در نسخه‌ی حسین بن سعید هی علیه حرام و هی ابنته والحره والمملوکه اینها را در نسخه‌ی حسین بن سعید از صفوان داشت.

یکی از حضار: داشت؟ اینجا نبود.

آیت الله مددی: چرا همین جا بود.

یکی از حضار: در فقیه نبود.

آیت الله مددی: چرا، روی العلاء که دارد چهار تا طریق در مشیخه دارد یکی اش صفوان است معنای عبارت ایشان این است که این چهار تا یکی بودند اگر یکی بودند چرا، همین صفوان را ما الان در کتاب حسین بن سعید داریم طولانی تر از نسخه‌ی صدوق است.

یکی از حضار: برای همین عرض می‌کنم می‌گویم این سوال بود که بالاخره این طرق الان چگونه است که

آیت الله مددی: بله مشکل دارد دیگر نمی‌دانیم الان ما عرض کردم آن نسخه‌شناسی که آقایان دارند کار آسانی است نسخه‌های خطی مقابلشان است می‌شناسند این کار ما کار بسیار مشکلی است چون روی اجازات و اسانید داریم نسخ را حساب می‌کنیم این کار مشکلی است. الان دقیقاً نمی‌دانیم آیا صدوق که گفته من نقل کردم از علاء به این چهار طریق یعنی تماماً این چهار طریق در آن نقل مشترکند یا نه کم و زیاد دارند مقداری مشترک بین چهار تا نقل هست تا مقدار مشترکش را آورده اما نقل صفوان زیادی دارد حسین بن سعید که نقل کرده زیادی دارد.

یکی از حضار: مشیخه طریق دوم از محمد بن ابی الصهبان عن صفوان است.

آیت الله مددی: می‌دانم خواندید، چرا ملتفت شدم. خوب بفرمایید حالا حسن بن سعید در نجاشی بخوانید. ایشان برادر حسین بن سعید است ایشان می‌گوید کتاب‌ها را دو تا برادر نوشتند لکن به اسم حسین معروف شد و الا حسن به اصطلاح این را بخوانید الحسن بن سعید الاهوازی، ایشان مرحوم نجاشی عنوانی برای حسین نگذاشتند بین ما موجود در محور روایات ما حسین بن سعید است نه حسن بن سعید است و لذا عرض کردیم محور روایات یک چیز است محور فهارس یک چیز است در محور فهارس حسن بن سعید آورده در محور، البته شیخ به نظر حسین بن سعید آورده مرحوم نجاشی، بله بفرمایید.

یکی از حضار: در مدخل ، چطور می شود دو تا مدخل زدند به اعتبار اینکه دو تا ترجمه با هم آمده ۱۳۶ - ۱۳۷ الحسن بن سعید ابن حماد

ابن المهران مولی علی بن الحسین علی بن الحسین علیه السلام

آیت الله مددی : این مهران مولی علی بن الحسین ، مهران اسم ایرانی است . یعنی این حسین بن سعید اصلشان ایرانی بودند جدشان به

اصطلاح مولی و عبد حضرت سجاد بودند اها مهران ملتفت شدید ، این جور خوانده بشود حسین بن سعید بن حماد بن مهران مولی علی

بن الحسین این مهران اسم هم واضح است فارسی است معلوم است حالت عبد دارد این جد اینهاست بفرماید .

یکی از حضار : ابو محمد الاهوازی شارک اخاه الحسین

آیت الله مددی : خیلی خوب بروید تا بگویید بعد برویم جلو حالا آنها

یکی از حضار : آن که فرمودید بخوانم شارک اخاه الحسین فی الکتب الثلاثین المصنفة و انما کثر اشتہار الحسین اخیه لها

آیت الله مددی : ببینید المصنفة الثلاثین المصنفة .

البته مصنفه یک احتمال قوی دارد به خاطر اینکه عناوین دارد کتاب الصلاة ، کتاب الصوم این جوری مصنفه یعنی صنف ، صنف بود

بعدش هم دارد و صنف الکتب الثلاثین .

یکی از حضار : بعد صحبتی در ... و اینها می کنند بعد می گوید و کتب ابنی سعید کتب حسنة معمول علیها

آیت الله مددی : حسنة ، خوب کتاب هایی است عمل هم به آن می شود یعنی این جوری نیست که روایاتش مثلا مخلط باشد و اینها اما

اینکه معمول علیها همه اش نه معلوم نیست و الا صنف نمی گفتند . حسنة هم تعبیرش این است این تعبیر نگفت صحیح است اصولا

نجاشی یک جای دیگر هم هست برای آن نسخه ی حضرت رضا احمد بن صدقه کیست همین که نسخه ی صحیفه الرضا را نقل می کند له

صحيفة عن الرضا عليه السلام همین صحیفه الرضای معروف معروف ترین صحیفه الرضا را این شخص ، احمد بن صدقة ،

یکی از حضار : احمد بن ...

آیت الله مددی : اها احمد بن عامر ، بیاورید . نجاشی رحمه الله توثیقش نمی کند خیلی ظریف است کار نجاشی بفرماید .

یکی از حضار : می گوید که ولقی الرضا

آیت الله مددی : پدرش لقی الرضا

یکی از حضار : لقی الرضا علیه السلام می گوید فلان ومات الرضا علیه السلام بطوس سنة کذا وشاهدت ابالحسن و ابا محمد علیهما

السلام وکان ابی مؤذنهما

آیت الله مددی : وکان ابی می گویم پدرش

یکی از حضار : پسرش

آیت الله مددی : بله وکان ابی مؤذن ابی محمد مرادش حضرت عسکری است ابو حسن هم حضرت هادی است .

یکی از حضار : پسرش دارد در مورد احمد نقل می کند

آیت الله مددی : پدرش

یکی از حضار : می گوید قال عبدالله ابن

آیت الله مددی : ها عبدالله بن نقل می کند راست است . ببینید این یک نحوه ی ادبی است در آن زمان بوده یک نحوه ی اسلوب ادبی است

مثلا بخوانید ، عبارت را یک دفعه ی دیگر بخوانید وقال عبدالله ابنه عبدالله

یکی از حضار : عبدالله ابنه فی ما اجاز

آیت الله مددی : ببینید این عبدالله که گفت چون نجاشی از عبدالله نقل نمی کند سندش را به عبدالله این جوری می آورد فیما اجازنی

یکی از حضار : الحسن بن احمد بن ابراهیم .

آیت الله مددی : دقت کردید ؟ در وسط این طریقه به این عبدالله است ، که می خواهد بگوید که من می گوید قال عبدالله من از او نشنیدم

این رسمشان این بوده قال فیما این را به عنوان یک جمله ی معترضه می آورند فیما اجازنی

یکی از حضار : فیما اجازنا الحسن بن احمد بن ابراهیم

آیت الله مددی : نمی شناسیم بله

یکی از حضار : حدثنا ابی قال حدثنا عبدالله قال

آیت الله مددی : ها ببینید اینجا این سندش به این عبدالله کلام عبدالله است از اول نگفت حدثنا این یک روشی بوده که قال عبدالله فیما

اجازنی سند را در وسط می آورد به صورت ، معلوم شد به صورت جمله ی معترضه بفرمایید . بعد می گوید ولد ابی فلان البته انصافا مبهم

دارد جهات حالا نمی خواهم وارد بحث علمی اش بشوم ، بعد ایشان می گوید له نسخة عن الرضا حالا نه ، این عبدالله باید ۲۲۴ باشد

۳۲۴ به نظرم وفاتش است پسر و مات عبدالله سنة ۳۲۴ به نظرم این عبدالله با اینکه ۳۲۴ است و زمان کلینی هم هست کلینی اصلا از او

نقل نمی کند اصلا از این صحيفة الرضا نقل نمی کند کسی که از این زیاد نقل می کند مرحوم صدوق در عیون اخبار الرضا است . وفات

عبدالله را به نظرم ۳۲۴ نوشته یا ایشان نوشته یا اهل سنت یکی از این دو تا .

یکی از حضار: حالا خود ایشان در مورد پدرش می گوید که

آیت الله مددی: له نسخه عن الرضا عليه السلام ببینید نه توثیق پسر می کند نه توثیق پدر، توثیق نمی کند چیزی راجع به جهت وثاقت آنها نمی نویسد. بفرماید.

یکی از حضار: چطور خوانده بشود، رفع الی هذه النسخ

آیت الله مددی: هذه النسخ

یکی از حضار: قبلش هیچ چیزی ندارد.

آیت الله مددی: بله می گوید این نسخه، نسخه اصطلاحاً مجموعه ای احادیثی بوده کراس هم به آن می گفتند له جزء عن الرضا له نسخة عن الرضا له کراس، این اصطلاحات را دارند رفع الی هذه النسخه مجموعه ی روایاتی که فیما بعد اسمش را گذاشتند صحیفة الامام الرضا این غیر از طب الرضاست ها صحیفة الامام الرضا. بفرماید.

یکی از حضار: رفع الی هذه النسخ نسخة عبدالله بن احمد بن عامر الطائی ها رفع الی هذه النسخ نسخة عبدالله بن احمد بن عامر الطائی ابوالحسن احمد بن محمد بن موسی الجندی شیخنا رحمه الله.

آیت الله مددی: ابن الجندی، ابن الجندی استاد نجاشی هست اما استاد شیخ طوسی نیست، ایشان شاگرد ابن عقده است ابن الجندی یعنی ۴۰۱ وفاتش است شیخ طوسی ایشان را ندیده است اما استاد نجاشی هست بفرماید.

یکی از حضار: بعد می گوید قراتها علیه ظاهراً اینجا دو نقطه باشد حدثکم ابوالفضل

آیت الله مددی: قراتها یعنی احتمالاً خود مرحوم نجاشی من این نسخه را بر ابن جندی خواندم عرض کردم وقتی نسخه را قرائت می کردند حدثکم می گفتند وقتی سماع بود آن می خواند می گفتند حدثنا این فرق این قرئتها علیه من خواندم حدثکم

یکی از حضار: حدثکم ابوالفضل عبدالله بن احمد بن عامر قال حدثنا ابی قال حدثنا الرضا علی بن موسی علیه السلام.

آیت الله مددی: درست شد؟ بعدش؟

یکی از حضار: والنسخة حسنة.

آیت الله مددی: دقت کردید چه شد؟ نه توثیق پسر می کند نه توثیق پدر می کند اما خود نسخه قشنگ است. ایشان هم می گوید له کتب حسنة دقت کردید در ابن سعید خیلی عجیب است ها.

یکی از حضار: از امام رضا ۳۰ - ۱۲۰ سال انگار فاصله است

آیت الله مددی: خوب دیگر می گوید قرب اسناد دارد دیگر، چون ۳۲۴ وفات پسر است. در آنجا ندارد به نظرم کتب اهل سنت دارد. احمد بن عامر بن سلیمان این مشهورترین نسخه ی صحیفه الرضا است شاید مجموعاً هفتاد تا یا هشتاد تا من سند برای صحیفه الرضا دیدم. یکی از حضار: ذهبی نقل کرده با یک توصیف از عنوان شروع کرده مدخل ۴۲۰۰ گفته عبدالله بن احمد بن عامر عن ابيه عن الرضا عن آبائه یعنی

آیت الله مددی: بنسخه موضوعه مثلاً

یکی از حضار: بتلك النسخة الموضوعة الباطلة ما تنفك عن وضعه او وضع بی

آیت الله مددی: او وضع بی یا کار خودش است یا کار پدرش است. یک شعری هست معروف هر که افزون شد است مال و زرش زآسمان زر نریخته به سرش یا خودش دزد بوده یا پدرش، حالا یک چیز دیگری هم دارد یک مصرعش هم من فراموش کردم. حالا پیدا بکنید یا خودش دزد بوده یا پدرش یا کار خودش بود یا پدرش بالاخره این نسخه باطل است همین نسخه ی باطل را نجاشی می گوید والنسخة حسنة روشن شد آقا؟ همین نسخه ی باطل را نجاشی می گوید والنسخة حسنة بفرماید.

این پسر عبدالله مات سنة ۳۲۴ از عجایب است یعنی زمان کلینی است کلینی ۳۲۹ وفاتش است کلینی اصلاً از او نقل نمی کند خوب خیلی قرب اسناد دارد دیگر از ایشان از پدرش از حضرت رضا، بقیه اش هم عن الرضا عن ابيه عن ابيه عن امير المؤمنين. یکی از حضار: این دو سال آخر که کلینی بغداد بوده یعنی قم نبوده که دسترسی نداشته به او.

آیت الله مددی: نمی دانم، نمی دانم این کجا بوده آن کجا بوده نمی دانم بفرماید آقا.

حالا بفرماید این نسخه حسنة غرض چون بعضی ملتفت نشدند این اشاره به این است که خود نجاشی می گوید من وضع این پدر و پسر را نمی دانم اما مطلب نسخه قشنگ است خوب است این صحیفه الرضا حالا این بحث صحیفه الرضا اگر خداوند یک وقتی حالی داد باید جداگانه متعرض بشوم که فعلاً اصلاً کلاً حال ندارم اصلاً از این بحث خارج بشویم.

یکی از حضار: یعنی کتابت و ظاهرش یا

آیت الله مددی: نه مطالبش قشنگ است خوب است مطالب حدیثی اش قشنگ است. ایشان می گوید تلك النسخة الباطلة.

یکی از حضار: شیخ طوسی ایشان را با این عنوان آورده عبدالله بن احمد بن عامر بن سلیمان طائی یکنی ابالقاسم له کتب منها کتاب القضايا والاحکام دیگر به این ماجرا اشاره ای ندارد در فهرست مدخل ۴۴۴.

آیت الله مددی: این کتابش را نشنیدم احتمالا کتاب قضایا و احکام را نقل کرده باشد از همان ابو رافع و اینها احتمالا آن الان خبر نداریم درست مطلع نیستیم یعنی الان اطلاعی الان در ذهنم حضور ذهن ندارم.

یکی از حضار: انصافا هم پر روایت است این آقا.

آیت الله مددی: نه دیگر عمده همین صحیفه الرضا است صدوق زیاد از او نقل می کند.

یکی از حضار: همه را از پدرش نقل کرده است.

آیت الله مددی: یکی از مشهورترین صحیفه الرضا همین است اصلا عرض کردم ۷۰ یا ۸۰ تا ما صحیفه الرضا داریم که از همه اش مشهورتر این است. که این حدیث اللهم ارحم خلفائی در همین است در یکی دو تا نسخه ی دیگر هم هست.

اهل سنت ابن رجب دیشب نقل کردم او از طریق به حساب خاندان علی بن از طریق پسرش عمر، عمر بن علی اینها را اصطلاحا در انساب می گفتند السید العلوی العمری، العمری العلوی آنها هستند اولاد عمر بن علی بن ابی طالب که به اصطلاح به او می گفتند عمر الاطرف به او اصطلاحا آن وقت یک عمر بن علی بن الحسین هم داریم حضرت سجاد آن چون مادرش هم شریف بود به او می گفتند عمر الاشرف، اطرف یعنی یک طرفش بزرگوار است، آن پسر امیرالمؤمنین است به او می گفتند عمر الاطرف به این می گفتند عمر الاشرف در کتب انساب هر دویشان خاندان دارند هر دو عمرها خاندان دارند علوی عمر این مجدی هم از علوی عمری است دیگر صاحب مجدی کتاب قشنگی است مجدی خیلی خوب نوشته خیلی کتاب قشنگی است در قرن پنجم.

یکی از حضار: در عیون که نسبتا چند تا روایت پشت سر هم و بهذا الاسناد و بهذا الاسناد آورده حدیث مفصل سند اولی این شکلی است حدثنا ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر السلیمان الطائی بالبصرة قال حدثنا ابی فی سنة ستین و مائتین این تاریخ ها را که می خواستید.

آیت الله مددی: بعید است صدوق از او مستقیم نقل کند.

یکی از حضار: نه مستقیم نیست نه بعدش این دو نفرش که

آیت الله مددی: این دو نفر نه اولش کیست اول صدوق

یکی از حضار: اولش این شکلی است که حدثنا ابوالحسن محمد بن علی بن الشاه الفقیه المروزی

آیت الله مددی: اصلا این نمی شناسیم بالمرة نمی شناسیم محمد بن علی الشاه المروزی سنی ها هم اسمش را ندارند شیعه ها هم ندارند. صدوق رفته این را از یک جایی پیدا کرده در مرو الرد پیدا کرده از او اجازه گرفته است یعنی کتاب خیلی گمنام بوده این گمنامی کتاب است این کتاب اگر می خواست خوب جا بیافتد کلینی از او نقل می کرد دیگر متعین این است.

مع ذلك نجاشی می گوید النسخة حسنة آن آقامی گوید النسخة الباطلة تلك النسخة الباطلة بفرماید آقا . این کار ما این کار هست یعنی یک چیز تازه ای نیست .

یکی از حضار: فقط هم شیخ طوسی از ایشان دارد یعنی شیخ صدوق معذرت می خواهم از ایشان دارد اصلا آیت الله مددی: الی آخره حالا بروید حسین بن سعید را بگویید من می خواهم آن تمام بشود چون یک نکته ای دارد . یکی از حضار: له کتب بله .

آیت الله مددی: وصنف الكتب الثلاثین . حالا آقای آل طه ایشان کم آوردند شما می توانید بخوانید کتاب مقابلتان باشد . یکی از حضار: من خیلی ترجمه های زیادی باز شده

یکی از حضار: حالا تا پیدا می کنند ۸۰ تا طریق به صحیفة الرضا داریم

یکی از حضار: ۸۰ تا صحیفة ۸۰ تا خود صحیفة .

آیت الله مددی: نه ۸۰ تا طریق است روایت مختلفند .

یکی از حضار: طریق آقا روایت مختلفند اما خود متنش را که نداریم .

آیت الله مددی: چرا مختلف ، داریم چرا عده ایش را داریم الان .

یکی از حضار: فوقش ۶ - ۵ تا داشته باشیم .

آیت الله مددی: نه بیشتر داریم ، یکی اش آن محمد بن چیست ابن مهرویه قزوینی است ، یکی هم ابن کذاست این ها نسبتا مشهورند . ده تا طریق مرحوم صاحب عوالی اللالی دارد هیچ کدامش را نمی شناسیم این هم از جزو عجایب اسانید است من الباب الی المحراب مجهولند ، این هم جزو عجایب کار است . من الباب یعنی یکی شاید استادش است استاد استادش است بقیه را اصلا نمی شناسیم هیچ جا هم نیامده این اسماء منحصر در اول عوالی اللالی آمده ده تا طریق به کتاب من که می گویم هفتاد ، هشتاد تا اینطوری است قروقاطی است خیلی قروقاطی است با هم دیگر بفرماید .

یکی از حضار: کتب حسنة معمول علیها وهی ثلاثون کتابا کتاب الوضوء ، کتاب الصلاة ، کتاب الزکاة

آیت الله مددی: الی آخره

یکی از حضار: و الی آخره ، خبرنا بهذه الكتب غیر واحد من اصحابنا من طرق مختلفة كثيرة فمنها ما کتب الی

آیت الله مددی: این اجازه است به نحو کتابت یعنی اجازه دارد چون مرحوم ابن نوح اواخر عمر می رود بصره نجاشی در بغداد بوده معلوم می شود در بغداد از او اجازه نگرفته رفته در بصره به او نوشته آقا طرق خودت را برای کتب حسین بن سعید به من اجازه بده فیما کتب الی این فیما کتب از بصره و ابن نوح زمان شیخ هم زنده بوده، شیخ هم از ایشان تقاضای اجازه نمی کند چون ابن نوح ۴۰۹ وفاتش است، ۴۰۸ وارد بغداد شده می گوید چون به او مذاهب فاسده نسبت می دادند ایشان هم در بصره بود فلم یتفق للقاءه اياه او را ندیدم کالرؤیا مراد شاید از رؤیه یعنی انسان روز قیامت خدا را می بیند احادیث رویت را قبول کرده مثلاً باید یک چنین چیزی باشد. نوشته مذاهب فاسده را به او نسبت دادند لذا من از او لم یتفق للقاءه ولم اروی عنه بفرمایید، آن وقت این نجاشی از بغداد به او می نویسد این اجازات را به او می دهد خوب دقت کنید ببینید چقدر ابن نوح، این ابن نوح مثال بارز است برای مسالهی شیخ طوسی را دیدید چهار تا طریق آورده بود برای کتاب علاء این مثال بارز برای رجال است کار رجالی است این مثال بارز است برای کار فهرستی است ابن نوح چه می گوید، می گوید و اما ما سالت مثل اینکه نه

یکی از حضار: تا آخرش می خواهید برویم خیلی سوال های

آیت الله مددی: خیلی خوب چاره ای نداریم.

یکی از حضار: کتب الی به ابوالعباس احمد بن علی بن نوح الصیرافی رحمه الله فی جواب کتاب اولئک، والذی سالت تعریفه من ال

آیت الله مددی: تعریف یعنی

یکی از حضار: در جواب چه کسی نوشت؟

آیت الله مددی: در جواب نجاشی، تعریف یعنی آشنا بکنم برایت ذکر بکنم بیان بکنم تعریفه

یکی از حضار: فرمودید چون بصره بود نامه نوشت؟

آیت الله مددی: بله چون بصره است خیلی جاها می گوید خبرنا ابن نوح این جا نمی گوید خبرنا چون معلوم می شود این به نحو مراسله

بوده یا می گویند کتابت یا به نحو مراسله بوده بفرمایید.

یکی از حضار: می گوید من الطرق الی کتب الحسین بن سعید الاهوازی رضی الله عنه فقد روی عنه ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی

الاشعری القمی و ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد البرقی والحسین بن حسن بن

آیت الله مددی: ابان. عرض کردم ابن سعید که می آید قم خانه ی حسن بن ابان وارد می شود حسین کتاب های ایشان را از او نقل می کند توثیق واضحی ندارد چون مهمان پدرش بوده قبول کردند در قم یکی از نسخ کتاب حسین بن سعید کتابی بوده که ایشان از مهمانش نقل می کند حسین بن حسن بن ابان بفرماید .

یکی از حضار: و احمد بن محمد بن حسن السکن القرشی البردعی

آیت الله مددی: محمد بن حسن السکن القرشی البردعی این را اصلا نمی شناسیم .

یکی از حضار: و ابوالعباس احمد بن محمد الدینوری

آیت الله مددی: دینوری این را نوشته آنی که شاید شناخته بشود دینوری شناخته ، دینور همین اطراف همدان به اصطلاح بفرماید .

یکی از حضار: کرمانشاه

یکی از حضار: این احمد بن محمد بن حسن

آیت الله مددی: نه کرمانشاه را قرمیسین می گفتند دینور خودش یک شهر مستقل است در اطراف ، بفرماید .

یکی از حضار: این احمد بن محمد بن حسن را نگاه کنم یا الان

آیت الله مددی: حالا مهم نیست حالا بخوانید .

یکی از حضار: فاما ما علیه اصحابنا والمعول علیه

آیت الله مددی: ببینید نسخه ی مشهور ببینید چقدر دقیق است . آن نسخه ای که کاملاً مشهور و معروف است همان اولی است که احمد

اشعری نقل می کند می گوید این نسخه خیلی مشهور است بعد طریقش را می آورد طریقش را به همین نسخه می آورد بعد

یکی از حضار: فاما ما علی اصحابنا والمعول علیه ما رواه عنهما آن جا گفته بود کتب حسین این جا می گوید عنهما

آیت الله مددی: حسین و حسن یعنی .

یکی از حضار: احمد بن محمد بن عیسی اخبارنا الشیخ الفاضل ابو عبدالله الحسین بن علی بن سفیان البزوفری

آیت الله مددی: این از جزو مشایخ بزرگ است ابو عبدالله الحسین بن علی بن سفیان البزوفری ایشان مرد بزرگی است ایشان از این راه

همین اخیراً یادتان باشد دیشب بعضی روایات بود عن البزوفری بزوفری این بعضی هایش همین حسین است بعضی هایش یکی دیگر است

ایشان اشتباه کرده است بفرماید .

یکی از حضار: فیما کتب الی فی شعبان سنة اثنتین

آیت الله مددی: تازه می گوید آن هم اجازه نداده به من رسمی آن هم به نحو نامه دقت ها را دقت بکنید یک نامه ای به من داده اجازه داده است بفرمایید.

یکی از حضار: فیما کتب الی فی شعبان سنة اثنتین و خمسين و ثلاث مائة

آیت الله مددی: سیصد و پنجاه و دو.

یکی از حضار: قال حدثنا ابو علی الاشعری احمد بن

آیت الله مددی: ابو علی همان احمد بن ادریس

یکی از حضار: ابن احمد القمی قال حدثنا احمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن سعید بکتب ثلاثین کتابا.

آیت الله مددی: خیلی طریق صحیحی است خیلی بزرگان اصحاب هستند. خیلی قشنگ انتخاب کرده تاریخش را نوشته تاریخ اجازه را نوشته است بفرمایید. و خبرنی ایضا

یکی از حضار: و خبرنی ابو علی احمد بن محمد بن یحیی العطار القمی

آیت الله مددی: از این عبارت معروف است که عده ای استفاده کردند توثیق احمد پسر محمد بن یحیی عرض کردم دو تا آقا زاده هستند یکی اش هم ایشان است پسر محمد بن یحیی ایشان چون گفته طریق مشهور این است بعد اسم ایشان را آورده و ابو علی، احمد بن محمد بن یحیی. اما فرقی این است بزوفری را خیلی با احترام اسم برده بخوانید خبرنا البزوفری بگویند ابو عبدالله.

یکی از حضار: خبرنا الشیخ الفاضل ابو عبدالله.

آیت الله مددی: الشیخ الفاضل ابو عبدالله بزوفری اینجا می گوید و خبرنا ابو علی احمد بن دیگر شیخ و فاضل و اینها را نمی گوید لکن نسخه چون یکی بوده از این جهت آورده است عده ای از این عبارت توثیق فهمیدند من به نظرم توثیق در نمی آید به این دو تا فرق گذاشته آنجا یک جور اینجا یک جور بعید است از این عبارت توثیق در بیاید بفرمایید، احمد بن محمد یحیی عن ابیه

یکی از حضار: قال حدثنا ابی و عبدالله بن جعفر الحمیری وسعد بن عبدالله جمیعا عن احمد بن محمد بن عیسی

آیت الله مددی: الاشعری عن همین آقای چیز به اصطلاح

یکی از حضار: بقیه اش را ندارد دیگر

آیت الله مددی: بعدش

یکی از حضار: واما ما رواه احمد بن محمد بن خالد البرقی فقد حدثنا ابا عبدالله محمد بن احمد الصفوانی

آیت الله مددی: صفوانی هم توثیق شده از اجلاء است اما عجیب است ایشان برای شیخ و فاضل عنوان نمی کند یکی از روایات معروف

کتاب کلینی هم صفوانی است ایشان

یکی از حضار: سنة اثنتین

آیت الله مددی: چند؟

یکی از حضار: اثنتین و خمسين و ثلاث مائة بالبصرة

آیت الله مددی: آها معلوم شد صفوان آن وقت بصره بوده بله. صفوانی از چه کسی نقل می کند؟

یکی از حضار: قال حدثنا ابو جعفر محمد بن جعفر البطة المودب

آیت الله مددی: رسید به ابن بطه

یکی از حضار: قال حدثنا احمد بن محمد بن خالد البرقي عن الحسين بن سعيد بكتبه جميعا

آیت الله مددی: رسید به ابن بطه حالا دقت کردید دو تا طریق همین جور تا آخری آن دینوری را بیاور، آخرش.

یکی از حضار: باز برای احمد بن محمد بن خالد یکی دیگر هم نقل می کند بعد می رود حسین بن حسن بن ابان قمی را می گوید برای او

هم دو تا طریق نقل می کند می گوید و اما احمد بن آها آن احمد بن محمد بن حسن را هم نقل می کند آخرش می گوید و اما ابوالعباس

دینوری فقد اخبرنا الشريف ابو محمد الحسن بن حمزة بن علي

آیت الله مددی: با اینکه این حسن بن حمزة این طبری مرعشی چند بار اسمش را، خیلی مرد بزرگواری ایشان از راه این مرعشی نقل می کند

حسن بن حمزه بله.

یکی از حضار: فيما كتب الينا ان ابالعباس احمد بن محمد الدينوري حدثه عن الحسين بن سعيد بكتبه وجميع

آیت الله مددی: اما خیلی عجیب است به دو واسطه به حسین خیلی زیاد است. یعنی خود ابن نوح تعجب می کند که چطور حسن بن

حمزة به یک واسطه از حسین بن سعيد نقل می کند. عند منصرفه من الحج

یکی از حضار: عند منصرفه من زيارة الرضا عليه السلام ايام جعفر بن الحسن الناصر بآمل الطبرستان سنة ثلاث مائة صد سال را با دو تا

طبقه رد کرده است.

آیت الله مددی: این پسر ناصر کبیر است. بفرمایید.

یکی از حضار: ناصر کبیر؟ ناصر اطروش؟

آیت الله مددی: پسرش جعفر بن، وقال

یکی از حضار: وقال حدثني الحسين بن سعيد الالهوازي بجميع مصنفاته .

آیت الله مددی: حالا بعد خود ابن نوح تعلیق می زند .

یکی از حضار: قال ابن نوح وهذا طريق غريب لم اجد

آیت الله مددی: اها لم اجد خیلی عجیب است

یکی از حضار: اله چاپ شده ظاهرا لم اجد له ثبنا باید باشد .

آیت الله مددی: ثبنا باید باشد من در فهرست ها می گوید من جایی ندیدم در این ، ما هم الان نداریم دینوری ما هم الان نداریم .

یکی از حضار: من اشتباه نمی کنم چون این جوری که چاپ شده لم احدله است ولی ظاهرا لم اجد له باشد .

آیت الله مددی: باید لم اجد له باشد بله . واضح است روشن شد ؟ خیلی دقیق است ها می گوید این یک طریق غریبی است که الان

همین طریق حسن بن حمزه به من گفت و این هم خیلی عجیب است ما هم تعجب می کنیم نه اینکه فقط او تعجب کرده است .

یکی از حضار: بعد ایشان لم اجد له ثبنا الا قوله رضی الله عنه

آیت الله مددی: یعنی حسن بن حمزه قوله حسن بن حمزه

یکی از حضار: اینجا دو نقطه آمده احتمالا این هم اشتباه تایپی شده چون بعدش این است که می گوید فیجب ان تروی عن

آیت الله مددی: ببینید دقت کنید این تمام آن عبارت ، فیجب ان تروی عن کل نسخه

یکی از حضار: من هذا بما رواه صاحبها فقط .

آیت الله مددی: چقدر در فهرست دقیق است .

یکی از حضار: ولا تحمل رواية

آیت الله مددی: علی رواية

یکی از حضار: ولا نسخه

آیت الله مددی: علی نسخه

یکی از حضار: لعلا يقع فيه اختلاف .

یکی از حضار: یعنی هر نسخه را با خود همان نسخه

آیت الله مددی: ها نسخه‌ی احمد اشعری یک طرف نسخه‌ی احمد برقی یک طرف نسخه‌ی حسین، خیلی عجیب این فهرست است دائما می‌گویند فهرست چیست. من یک مثال زدم که کاملا محسوس بشود کار شیخ رجالی بود چهار تا نسخه برای کتاب علاء نقل کرد اسم هم برد اما نگفت که در حین نقل مواظب باشید ابن نوح چقدر دقیق است می‌گوید فیجب ان تروی کل نسخه‌ی خیلی عجیب است عن صاحبها. آن وقت مشکل ما کجا شد الان شیخ وقتی از حسین بن سعید نقل می‌کند نمی‌گوید از کدام نسخه است.

یکی از حضار: عین این عبارت در نجاشی چند جا دارد آن تکه‌ی آخر.

آیت الله مددی: این تکه‌ی آخری ایشان دارد اما الان عین این عبارت در ذهنم الان حضور ذهن ندارم آن وقت من نجاشی را یک دوره‌ی کامل کامل ندیدم خیلی دیدم آقای ابطحی می‌فرمودند نقل بکنند می‌فرمودند آقای آسید محمد علی ابطحی که شرح تهذیب نوشتند مقاله نوشتند فرمودند من مجموعا ۲۶ یا ۲۷ بار نجاشی را از اول تا آخر دیدم خود ایشان به من گفت، گفت با عناوین مختلف مثلا می‌خواستم ببینم چند تا احمد بن محمد بن یحیی است چند تا فلان است می‌گفت از اول تا آخرش، من تقریبا از اول تا آخر کامل الزیارات را دوسه بار دیدم به خاطر بعضی اسانید لکن سریع نه اینکه همه‌ی روایات را بخوانم آقای ابطحی به من می‌گفتم من ۲۶ یا ۲۷ بار این کتاب نجاشی را از اول تا آخر خواندم.

همیشه عرض می‌کنم بعضی از این آقایان اصفهانی‌ها خیلی در مفردات کار کردند این شاگردان آقای بروجردی در مفردات خیلی کار کردند این مراد من از مفردات این است خیلی کارهای این جوری کردند خیلی دقیق کار کردند بله آقا؟

یکی از حضار: این عبارت را من چون می‌خواهم تصحیح بشود دارد ضبط می‌شود، این هم احتمالا اشتباه تایی شده باشد که چرا این طوری چاپ شده لم اجد له ثبوتا که بگذریم الا قوله رضی الله عنه دو نقطه فیجب ان تروی

آیت الله مددی: نه بابا

یکی از حضار: برای ابن نوح باید باشد درست است؟

آیت الله مددی: الا قوله تمام شد یعنی قول آن آقا حسن بن حمزه

یکی از حضار: تمام شد و یجب اینجا عبارت ابن نوح می‌شود.

آیت الله مددی: اینجا عبارت ابن نوح است. خیلی عجیب است این عبارت یعنی دو تا من مطلب کتاب برای شما آوردم که کار فهرستی را هم برای شما کاملا دیگر روشن شد و چقدر ما الان مشکل داریم.

یکی از حضار: ویجب ان تروی عن کل نسخه من هذا بما رواه صاحبها فقط

آیت الله مددی : ببینید فقط

یکی از حضار : ولا تحمل رواية على رواية ولا نسخة على نسخة لعل يقع على فيه اختلاف

آیت الله مددی : خیلی عجیب است یعنی این نسخه در نسخه ی حسین بن حسن بن ابان این طور است در نسخه ی احمد اشعری این طور است در نسخه ی احمد برقی این طور است اینها باید یکی یکی نسخه ها را نسبت بدهید این راه توسط شیخ از بین رفته رحمه الله برحمته گفت که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد ، گفت قرة العین من آن میوه ی دل یادش باد ، که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد آن که الان مشکل درست شده این است حتی صدوق هم ندارد چرا صدوق چون سند کامل می آورد ممکن است نظرش به نسخه باشد اما شیخ ابتدا می کند به اسم حسین بن سعید و کدام نسخه است مخصوصا چون یک نسخه ی غریبی هم بوده این شبهه گاهی پیدا می شود که شاید این نسخه ی غریب در بازار بوده چون حسن بن حمزه ی طبری جزو علمای بزرگ است بغداد آمده شاید این نسخه در بغداد متعارف شده که ابن نوح می گوید من اصلا این نسخه را نمی شناسم این طریق غریبی است اصلا هیچ راه دیگری ما برایش نداریم و انصافا هم عجیب است حسن بن حمزه از قول آن دینوری که نمی شناسیم از قول حسین بن سعید واقعا هم عجیب است سند عجیبی است این را ما دیگر حالا امشب دیگر به همین مقدار اکتفا می کنیم .

یکی از حضار : در طرق شیخ این نیست .

آیت الله مددی : در طرق شیخ این نیست از این چهارتا آن چهارتای دیگر این پنج تا طریق است ننوشته نجاشی پنج تا من شمردم مجموعا پنج تا طریق است پنج نسخه را مرحوم ابن نوح به نجاشی اجازه می دهد لکن خیلی عجیب است لکن اجازه که به ایشان می دهد می گوید به شرطی به تو اجازه می دهم که از هر نسخه ای از صاحب همان نسخه نقل بکنی اسم ببری این در اجازه می آوردند عرض کردم در اجازه عده ای از قیود را می آوردند به این شرط من به شما این اجازه را می دهم اسم آن نسخه را ببری . آن وقت هم شیخ در مشیخه بیاورید و ما کان فیه عن

یکی از حضار : وما ذكرت في هذا الكتاب عن الحسين بن سعيد فقد اخبرني به الشيخ ابو عبد الله

آیت الله مددی : مرحوم شیخ مفید

یکی از حضار : والحسين بن عبيد الله واحمد بن عبدون كلهم عن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن اخيه

آیت الله مددی : این از احمد ابن الولید است پسر ابن الولید است در آن ها نبود . از پسر ابن الولید است همین که گفتم آمده بغداد .

احمد بن محمد ، گفتم دو تا احمد بن محمد داریم آقا زاده هستند هر دو توثیق روشنی ندارند این پسر ابن الولید .

پسر ابن الولید استاد مفید است ، پسر محمد بن یحیی استاد صدوق است صدوق از او نقل می کند .

یکی از حضار : عن ابیه محمد بن حسن بن الولید واخبرنی به ایضا ابوالحسین ابن ابی جید القمی

آیت الله مددی : عن ابن الولید

یکی از حضار : عن محمد بن الحسن بن الولید عن الحسن

آیت الله مددی : این دوتا فرقی این است خوب دقت کنید یکی قرب اسناد دارد یعنی یک دفعه به دو واسطه از ابن الولید نقل می کند مفید ،

پسر ابن الولید ، ابن الولید . یک دفعه به یک واسطه ابن ابی جید و ابن الولید .

یکی از حضار : عن الحسن بن حسن بن ابان عن الحسن بن سعید .

آیت الله مددی : این همان نسخه ای است که عرض کردم خیلی وضع روشنی در قم نداشته چون خود حسین بن حسن بن ابان خیلی توثیق

این همان نسخه ای است که گفتم گفته مهمان پدرم بود حالا می خواهید حسین

یکی از حضار : این فهرست شیخ طوسی است

آیت الله مددی : که چه ؟

یکی از حضار : انه قال ابن الولید اخرجها الینا حسین بن حسن بن ابان بخط حسین بن سعید و ذکر انه کان ضیف ابیه به خط حسین است .

آیت الله مددی : همین به خط ، خوب به خط حسین است ادعای پسر است اگر نمی شناخته مشکل دارد دیگر .

یکی از حضار : این در طریق اولی است که در شیخ آمده ، اخبرنا بکتابه وروایاته فهرست شیخ ، ابن ابی جید القمی

آیت الله مددی : این نسخه ای است که ایشان آورد مرحوم ابن نوح آورد به عنوان نسخه ی حسین بن حسن بن ابان این نسخه را ذکر کرد

ابن نوح

یکی از حضار : عن محمد بن الحسن بن الحسن بن ابان عن الحسن بن سعید قال ابن الولید و اخرجها الینا الحسن بن

الحسن بخط الحسن بن سعید و ذکر انه کان ضیف ابیه

آیت الله مددی : حالا آن ضیف ابیه احتیاج به گفتن ، احتیاج به ذکر نداشت خوب در قم مشهور بود که مهمان آن آقا است دیگر خیلی ،

نمی خواست بگوید ایشان گفت پسر گفت قطعا این ، اما اینکه این خط خود حسین است این شاهد می خواهد . بفرمایید .

یکی از حضار : خوب اگر واقعا نسخه دستش باشد و دیده باشد خوب خیلی ارزش می رود بالاتر

آیت الله مددی : بله اگر ثابت بشود خط حسین است .

یکی از حضار: بعد ایشان می گوید و رواه ایضا محمد بن الحسن بن ولید عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد عن الحسين

بن سعید

آیت الله مددی: این هم گفت آن آقا گفت ابن نوح گفت این نسخه ی احمد اشعری است، دو تا نسخه مرحوم شیخ طوسی در مشیخه نام می برد. یکی نسخه ی احمد اشعری یکی نسخه ی حسین بن حسن بن ابان اما در مقام نقل تفریق نمی گذارد و از آن طرف هم چیزهایی نقل می کند که بقیه نقل نکردند مثل همین روایت زراره که دیشب، این توجیهی که ما دیشب برای روایت زراره کردیم نه اینکه ما رد این توجیه، به هر حال باید روی این فکر بشود چرا چنین روایتی را بزرگان قم نیاوردند اصلا کلا، حالا آن توجیهات من می خواهد درست باشد، من دنبال اثبات توجیه خودم نیستم این مشکل هنوز برای ما هست مشکل.

یکی از حضار: آخرین طریق هم بخوانم و اخبارنا واحدة من اصحابنا عن محمد بن علی بن الحسین فهرست شیخ طوسی عن ابیه
آیت الله مددی: عن محمد بن علی یعنی جماعة من اصحابنا همین چون مرحوم شیخ صدوق که می آید بغداد ۳۵۲ یا ۳۵۳ عده ای از علمای بغداد که جوان بودند مثل شیخ مفید یا ابن غضائری از او اجازه می گیرند شیخ طوسی از آنها اجازه می گیرد شیخ طوسی از آن عده از شیخ طوسی عن ابیه صدوق پدر

یکی از حضار: و محمد بن الحسن و محمد بن

آیت الله مددی: محمد بن الحسن ابن الولید

یکی از حضار: و محمد بن موسی بن

آیت الله مددی: محمد بن موسی بن المتوکل توثیق روشنی ندارد ادعاهایی یعنی شواهدی بر توثیقش جمع کردند.

یکی از حضار: عن سعد بن عبدالله والحمیری عن احمد بن محمد بن عیسی عن الحسین بن سعید.

آیت الله مددی: همان نسخه ی احمد اشعری است، شیخ این را طریق سوم قرار داده از همان طریق است.

یکی از حضار: در فهرست طریق دوم است جسارتا

آیت الله مددی: بله آقا؟

یکی از حضار: یعنی در کل طریق سوم شیخ می شود و الا در فهرست این دو تا است فقط

آیت الله مددی: همین دو تا؟

یکی از حضار: بله.

آیت الله مددی: هر دو به احمد برمی گردد؟

یکی از حضار: نه یکی اش همان بود که

آیت الله مددی: حسین بن حسن، ببینید مرحوم ابن نوح چقدر دقیق است پنج تایش کرد، احمد و بعد ابوالعباس دینوری و بعد احمد برقی و اینها را اصلاً مرحوم شیخ طوسی نیاورده و این دقتی است که مرحوم ابن نوح داشتند این بحث فهرستی الان فکر می کنم دیگر کاملاً دارد روشن می شود که این اگر این کار شده بود خیلی الان وضع حدیث ما بهتر بود چرا نشد چون وقتی حدیث آمد به بغداد جنبه های فقهی و تلقی فقهی غلبه پیدا کرد دیگر روی جنبه های حدیثی حالا اختلاف حدیث کم و زیاد فتوا چه بود بین اصحاب مخصوصاً شیخ عظمی شیخ از یک طرف شیخ مفید هم در مقنعه عده ای از آن فتاوا را دارد سید مرتضی هم از آن فتاوا دارد ادعای اجماع این فتاوا لذا من همیشه عرض کردم فرهنگ فتوایی ما برای بغداد است، فرهنگ حدیثی ما برای قم است تلقی حدیثی ما برای قم است و علی راسهم شیخ صدوق و فرهنگ فقهی ما که تا هنوز هم حاکم است برای بغداد است و علی راسهم شیخ طوسی نه سید مرتضی و نه شیخ مفید.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین